



دانشنامه فلسفه استنفورد

سهروردی

رکسان مارکوت

ترجمة سعيد انوارى

دانشنامه فلسفه استنفورد

(۶۱)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

سرشناسه: مارکوت، رکسان دی، ۱۹۶۱ - م. Marcotte, Roxanne D.
عنوان و نام پدیدآور: سهروردی/رکسان مارکوت؛ ترجمه سعید انواری.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۸۳ ص.
فروست: دانشنامه فلسفه استنفورد؛ ۶۱/دبیر مجموعه مسعود علیا.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۲۶۵-۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: کتاب حاضر ترجمه مقاله‌ای با عنوان «Suhrawardi» از دایرةالمعارف
«Stanford encyclopedia of philosophy» است.
یادداشت: واژه‌نامه.
یادداشت: کتابنامه.
یادداشت: نمایه.
موضوع: سهروردی، یحیی بن حبش، ۹۵۴۹-۵۸۷ق. - نقد و تفسیر
موضوع: فلسفه اسلامی
موضوع: اشراق (فلسفه)
شناسه افزوده: انواری، سعید، ۱۳۵۵ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ س ۹۲/م ۷۷۱ BBR
رده‌بندی دیویی: ۱۸۹/۱
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۰۳۱۴۴

دانشنامه فلسفه استنفورد (۶۱)

سهروردی

رکسان مارکوت

ترجمه سعید انواری



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Suhrawardi

The Stanford Encyclopedia of Philosophy

Roxanne Marcotte, Apr 4, 2012

این مجموعه با کسب اجازه از گردانندگان دانشنامه
فلسفه استنفورد (SEP) منتشر می‌شود.



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶



دانشنامه فلسفه استنفورد (۶۱)

دبیر مجموعه: مسعود علیا

سهروردی

رکسان مارکوت

ترجمه سعید انواری

چاپ اول

۱۶۵۰ نسخه

۱۳۹۵

چاپ پڑمان

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۶ - ۲۶۵ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 600 - 278 - 265 - 6

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۶۰۰۰ تومان

فهرست

پیشگفتار دبیر مجموعه	۷
درآمد	۱۱
۱. زندگی و آثار	۱۳
۲. منطق	۲۷
۳. طبیعیات	۳۵
۴. مابعدالطبیعه	۴۷
۵. سیاست و اخلاق	۵۷
۶. میراث سنت اشراقی	۶۱
کتابنامه	۶۹
واژه‌نامه انگلیسی به فارسی	۷۷
نمایه	۷۹

پیشگفتار دبیر مجموعه

بسیاری از کسانی که در ایران به نحوی از انحا کار فلسفی می‌کنند و با فضای مجازی اینترنت نیز بیگانه نیستند نام دانشنامه فلسفه استفورد^۱ را شنیده‌اند و چه بسا از این مجموعه کم‌نظیر بهره نیز برده باشند. این دانشنامه حاصل طرح نیکویی است که اجرای آن در سال ۱۹۹۵ در دانشگاه استفورد آغاز شد و همچنان ادامه دارد. به لطف کمک‌هایی که گردانندگان این مجموعه از آن‌ها برخوردار شده‌اند، متن کامل تمامی مقالات این دانشنامه در اینترنت به رایگان و به آسان‌ترین شکل در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار گرفته است.

نگاهی به ساختار و مندرجات مقاله‌ها و مرور کارنامه نویسندگان آن‌ها، که عموماً در حیطه کار خویش صاحب نام و تألیفات درخور اعتنا هستند، گواهی می‌دهد که با مجموعه‌ای خواندنی مواجهیم، مجموعه‌ای که غالباً مدخل‌های مناسبی برای ورود به گستره‌های متنوع تأمل فلسفی به دست می‌دهد. به این اعتبار، می‌توان به جرئت گفت کسی که می‌خواهد اولین بار با مسئله یا مبحثی در فلسفه آشنا شود، یکی از گزینه‌های راهگشایی که پیش رو دارد این است که ابتدا به سراغ مدخل یا مدخل‌های مربوط به آن در این دانشنامه برود.

دانشنامه فلسفه استفورد (به سرپرستی دکتر ادوارد ن. زالتا^۲)

-
1. *Stanford Encyclopedia of Philosophy* (SEP)
 2. Edward N. Zalta

افزون بر این که پیوندی فراگیر میان فضای دانشگاهی و عرصه عمومی برقرار کرده، ویژگی‌های درخور توجه دیگری هم دارد. حجم بسیاری از مقاله‌های این دانشنامه چشمگیر است. ظاهراً دست نویسندگان در شرح و بسط کثیری از موضوعات و مباحث باز بوده است. دیگر این که در کنار مدخل‌های نام آشنا گاه به موضوعات و مسائل کم و بیش بدیعی پرداخته شده است که شاید در نظر اول ورودشان به دانشنامه‌ای فلسفی غریب بنماید و در عین حال خواننده را به بازاندیشی درباره دامنۀ تفکر فلسفی و نسبت آن با زیست‌جهان خویش فراخواند. کتابنامه‌های مندرج در پایان مقاله‌ها نیز، که معمولاً به دقت تدوین شده‌اند، یکی از محسنات این دانشنامه است که به‌ویژه به کار دانشجویان و محققانی می‌آید که می‌خواهند در زمینه‌ای خاص پژوهش کنند. این را هم نباید از نظر دور داشت که خاستگاه این دانشنامه به هیچ روی موجب نشده است که متفکران و مباحث فلسفه قاره‌ای نادیده گرفته شوند.

انتشار تدریجی این دانشنامه به زبان فارسی و فراهم کردن امکان مواجهه شمار هرچه بیشتری از خوانندگان علاقه‌مند با آن، چه‌بسا استمرار همان غایتی باشد که مورد نظر بانیان این طرح بوده است. بر این اساس، در گام نخست انتخابی اولیه از میان مدخل‌های پرشماری که در دانشنامه آمده است صورت گرفته و کار ترجمه آن‌ها به سعی مترجمانی که با این طرح همکاری دارند به تدریج پیش می‌رود. ترجمه کل دانشنامه البته غایتی بلندپروازانه است، به‌ویژه با توجه به این که هنوز همه مقاله‌های آن به نگارش درنیامده‌اند. با این حال، تلاش بر این است که، در صورت فراهم بودن شرایط، انتشار این مجموعه استمرار پیدا کند و به سرنوشت مجموعه‌هایی دچار نیاید که آغازی چشمگیر داشته‌اند ولی دولتشان چندان پاینده نبوده است.

روال غالب این است که هر کدام از مدخل‌ها در یک مجلد منتشر شود، اما در مواردی که حجم یک مدخل از حداقل لازم برای این که به

هیئت مجلدی مستقل منتشر شود کمتر باشد، آن مدخل همراه با مدخل دیگری که با آن قرابت موضوعی دارد انتشار می‌یابد. به درخواست دکتر زالتا، نسخهٔ اساس ترجمه‌ها آخرین ویراستی خواهد بود که در بخش آرشیو دانشنامه درج شده است، و همین امر در چاپ‌های مجدد ترجمه‌ها مبنا قرار خواهد گرفت. در مرحلهٔ ویرایش، تمامی ترجمه‌ها سطر به سطر با متن انگلیسی مقابله خواهند شد تا عیار کار درخور این مجموعه باشد. در این میان تلاش می‌شود توازن شایسته‌ای میان احترام به سبک و زبان هر مترجم از یک سو و اقتضائات مجموعه از سوی دیگر به دست آید. طرح انتشار این مجموعه شاید فردی بوده باشد، اما اجرا و اتمام آن البته کاری جمعی است و با تلاش مشترک و همراهی دوستانی میسر می‌شود که به این کار دل می‌سپارند. افزون بر مترجمانی که در این طرح همکاری می‌کنند، سپاسگزار دیگرانی هستم که مساعدتشان پشتوانهٔ اجرای شایستهٔ آن است. به‌ویژه از آقای دکتر زالتا و سایر گردانندگان دانشنامه قدردانی می‌کنم که اجازه دادند مجموعه حاضر به زبان فارسی منتشر شود. همچنین، باید یاد کنم از آقای امیر حسین زادگان، مدیر انتشارات ققنوس، که زمینهٔ اجرای طرح را فراهم کردند؛ آقای دکتر سید نصرالله موسویان، که یاری بی‌دریغشان برای این مجموعه بسیار مغتنم بوده است؛ آقای احمد تهوری، مدیر روابط عمومی انتشارات، که در تسهیل ارتباطات نقش مؤثری داشته‌اند؛ و آقای جهانگیر ملک‌محمدی و یکایک همکاران ایشان در بخش فنی انتشارات، که می‌کوشند این مجموعه با شکل و شمایلی درخور منتشر شود.

مسعود علیا

زمستان ۱۳۹۲

[درآمد]

[شیخ] شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ ه.ق)^۱ در مکتب مشاء سینوی تحصیل کرد و مؤسس سنت فلسفه اشراقی در شرق جهان اسلام شد. از قرن ششم هجری به بعد، آثار او در برخی از حوزه‌های فلسفی در شرق جهان اسلام مورد مطالعه قرار می‌گرفت، اما از آن‌جا که هیچ‌یک از آثارش به زبان لاتین ترجمه نشد، وی در جهان غرب ناشناخته ماند. در میانه قرن بیستم میلادی، هانری کربن^۲ پیگیرانه کوشید تا نوشته‌های او را تصحیح و مطالعه کند. این کار سبب شکل‌گیری علاقه تازه‌ای نسبت به آثار و طرز فکر سهروردی، به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، شد.

سهروردی همزمان با شرح و بسط نظریات اشراقی معرفت‌شناختی (منطق و علم‌النفس) و مابعدالطبیعی (هستی‌شناسی و کیهان‌شناسی) خود، نقد افلاطونی اصیلی بر

۱. در ترجمه این اثر، سال‌های میلادی به هجری قمری تبدیل شده است، مگر در مواردی که بحث بر سر سیر سهروردی پژوهی در مغرب‌زمین بوده است. - م.

2. Henry Corbin (1903-1978)

مکتب مشاء سینوی حاکم در آن دوران، در حیطه‌های منطق، معرفت‌شناسی، علم‌النفس و مابعدالطبیعه وارد کرد. دیدگاه معرفت‌شناختی تازه‌اش وی را به نقد نظریه تعریف مشایی سینوی، طرح نظریه‌ای در مورد علم «حضور»، شرح و بسط هستی‌شناسی پیچیده‌ای از انوار و افزودن عالم چهارمی به نام عالم «مثال» رهنمون شد.

زندگی و آثار

۱.۱. زندگی

اطلاعات موجود درباره زندگی شهاب‌الدین سهروردی، [معروف به] «شیخ اشراق»، اندک است. وی در سال ۵۴۹ ق در روستای سهرورد، واقع در شمال غربی ایران به دنیا آمد و تحصیلاتش را در شهر مراغه، که در نزدیکی محل تولدش بود، نزد مجدالدین جیلی، از معلمان فخرالدین رازی (وفات ۶۰۶ ق) دنبال کرد. سپس به اصفهان سفر کرد و در آنجا نزد منطق‌دانی به نام ظهیر[الدین] فارسی^۱ تحصیل کرد. سهروردی نزد وی متنی منطقی^۲ به قلم ابن سهلان ساوی (وفات در حدود ۵۶۵ ق) را خواند. سپس عازم سفری شد که وی را به آناتولی رساند. شمس‌الدین شهرزوری (وفات در حدود ۶۸۷ ق) این دوره را دوره جستجوی هدایت معنوی وی می‌نامد،^۳ دوره‌ای

۱. در بیشتر کتاب‌ها نام وی ظهیرالدین قاری ذکر شده است. - م.

۲. البصائر النصیره. - م.

۳. مؤلف منبع سخن خود را مشخص نکرده است. در تاریخ‌الحکمای شهرزوری تنها به سفر وی جهت کسب علم و حکمت اشاره شده است: «و

که در آن با شماری از بزرگان صوفیه، همچون فخرالدین ماردینی^۱ (وفات ۵۹۴ ق) ملاقات کرد و به دنبال حامیانی در میان حاکمان محلی آناتولی گشت.

سهروردی در سال ۵۷۹ ق به حلب رسید، همان سالی که صلاح‌الدین [ایوبی] (وفات ۵۸۹ ق) این شهر را فتح کرد^۲ و آن را به پسرش [ملک] الظاهر (وفات ۶۱۳ ق) سپرد. سهروردی، که سنی شافعی بود، در میان عالمان دینی شهر همچون افتخارالدین، برای خود شهرتی یافت. او سرانجام موفق شد مخاطبانی در دربار بیابد و با [ملک] الظاهر دست دوستی دهد. در سال ۵۸۲ ق، در سی‌وسه سالگی، نگارش مهم‌ترین اثر خود حکمة الاشراق^۳ را به پایان برد (از این پس با نشانه اختصاری *PI* به این اثر اشاره می‌کنیم). متأسفانه در این بین بزرگان دینی قدرتمند حلب را که ایوبیان در مشروعیت

→ سافر فی صفره فی طلب العلم والحكمة إلى المرافه، (شهرزوری، تاریخ‌الحکما، تصحیح عبدالکریم ابوشویرب، طرابلس، جمعية الدعوة، ۱۹۸۸، ص ۳۷۸)؛ همچنین، سهروردی در المشارع والمطارحات به سفر خود جهت یافتن همفکر مطلعی در علوم حقیقی اشاره کرده است: «أكثر عمري في الاسفار واستخبار والتفحص عن مشارك مطلع على العلوم ولم اجد من عنده خبر من العلوم الشريفة» (مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۵۰۵). م.

۱. ماردین امروزه یکی از استان‌های جنوب شرقی ترکیه و هم‌مرز با سوریه است. م.

۲. صلاح‌الدین ایوبی فرمانده سپاه مسلمانان در جنگ‌های صلیبی سوم بود که از سال ۵۸۳ تا ۵۸۸ هجری به طول انجامید. م.

3. *Philosophy of Illumination*

بخشیدن به حکمرانی‌شان بر شهر متکی به ایشان بودند از خود رنجاند.

مجموعه‌ای از عوامل دینی و سیاسی منجر به آن شد که [زندگی] سهروردی در مسیر سقوط بیفتد. از یک سو، او را به داشتن باورهای بدعت‌آمیز متهم کردند، اتهامی مبهم که به این دلایل به آسانی ممکن بود وارد شود: ذکر نام‌ها و نمادهای ایرانیِ دوران پیش از اسلام در برخی از آثارش، ادعای او مبنی بر برخورداری از الهامات شبه‌الهی و شبه‌وحیانی، و تردید وی نسبت به ختم منطقی نبوت در پرتو قدرت مطلق خداوند. از سوی دیگر، ممکن است روابط نزدیک و سابقش با آل ارتق^۱ که پیش از تصرف جنوب غربی آناتولی [به دست ایوبیان، بر آن ناحیه] حکومت می‌کردند یا با [ملک] الظاهر، حاکم ایوبیان، [تلاش برای] توطئه‌چینی سیاسی تفسیر شده باشد. در نهایت سرنوشت سهروردی با اتهام بدعت‌گذاری رقم خورد (نه با اتهام خیانت). تذکره‌نویسان و تاریخ‌نگاران بر سر این که اتهامات وی دقیقاً چه بود و چه سلسله رویدادهایی منجر به اعدام وی در پایان سال ۵۸۷ ق (یا ابتدای سال ۵۸۸ ق) شد توافق نظر ندارند (Marcotte 2001a).

۱. Artuquids: سلسله‌ای از ترکان که در فاصله سال‌های ۴۹۷ تا ۸۱۱ هجری در شرق آناتولی و شمال سوریه و عراق حکومت می‌کردند. عمادالدین، که شیخ اشراق کتاب الواح عمادی را به نام وی نوشته است، در بین سال‌های ۵۸۱ تا ۵۹۹ در شهر خارپوت (الازیغ کنونی) از شهرهای کردستان ترکیه حکومت می‌کرد. -م.

۲.۱. آثار

آثار سهروردی به طور سنتی به چهار دسته تقسیم می‌شوند:^۱ [۱] چند اثر اولیه [دوران نوجوانی]؛^۲ [۲] چند متن عرفانی یا رمزی که بسیاری از آن‌ها به زبان فارسی نگاشته شده‌اند (Suhrawardi 1976; 1993c; 1999b)؛ [۳] آثار کوتاهی که اغلب ایده‌ها و روش‌هایی مشایی به دست می‌دهند، گرچه در عین حال دربردارنده نظریه‌های اشراقی متمایزی نیز هستند. رساله هیاکل‌النور^۳ از این دسته به شمار می‌آید

۱. لویی ماسینیون آثار سهروردی را به سه دسته تقسیم کرده است: (۱) آثار اولیه (دوره جوانی)؛ (۲) آثار مشایی و (۳) آثار سینی - نوافلاطونی (کربن، مقدمه بر مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص VII؛ امین رضوی، سهروردی و مکتب اشراق، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۲۹). هانری کربن آثار سهروردی را به چهار دسته تقسیم کرده است: (۱) چهار کتاب بزرگ؛ (۲) رساله‌های کوچک؛ (۳) رسائل رمزی و (۴) دعاها و مناجات‌نامه‌ها (کربن، مقدمه بر مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، ص XVI). دکتر سید حسین نصر تقسیم‌بندی پنجگانه‌ای از آثار سهروردی به دست داده است: (۱) چهار کتاب بزرگ اصلی تعلیمی؛ (۲) رساله‌های کوتاه‌تر با مضامین چهار کتاب اصلی؛ (۳) حکایت‌های رمزی؛ (۴) تحریر، ترجمه و شرح آثار فلاسفه دیگر؛ (۵) دعاها و مناجات‌نامه‌ها (نصر، سه حکیم مسلمان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۲، صص ۶۸-۶۹). در نهایت تقسیم‌بندی ششگانه‌ای نیز از آثار وی ارائه شده است (بنگرید به محسن کدیور، «کتاب‌شناسی توصیفی فلسفه اشراق» در دفتر عقل، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۷، صص ۲۹۷-۲۹۸). تقسیم‌بندی این مقاله ترکیبی از تقسیم‌بندی‌های ذکر شده است. -م.

۲. «... و صنفت غیرهما، و منها ما رتبته فی ایام الصبی» (سهروردی، حکمة الاشراق، ص ۱۰). -م.

(Suhrawardi 1996)؛ [۴] در نهایت چهار اثر بزرگ سهروردی به زبان عربی که وی تمایل داشت به ترتیب زیر مطالعه شوند: ^۱ التلویحات ^۲ (Suhrawardi, 2009) [شامل منطق، طبیعیات و مابعدالطبیعه]؛ ^۳ مقایسه کنید با Ibn Kammuna (2003, 2009)، المقامات ^۴ (Suhrawardi 1993a)، المشارع و المطارحات ^۵ (Suhrawardi 1993a) و حکمة الاشراق (Suhrawardi 1993b; 1999a; 1986). در آخرین اثر یادشده، سهروردی فلسفه اشراقی خود را به تفصیل بسط داده و رمزپردازی نور، اساس بازسازی و نوسازی کیهان‌شناسی و هستی‌شناسی به دست وی قرار گرفته است.

واضح است که این قسم دسته‌بندی، در کنار نظریه دو دوره متمایز در زندگی و آثار سهروردی، یعنی دوره مشایی و به دنبال آن دوره اشراقی، مشکلاتی پدید می‌آورد. دسته‌بندی مذکور چه‌بسا صرفاً اکتشافی ^۶ باشد، زیرا جایگاه شماری از آثاری را که تفصیل‌دهنده اصول

۱. سهروردی در مقدمه حکمة الاشراق می‌نویسد: «و قد رُتِبَ لکم قبل هذا الكتاب و فی اثنا عشر معارقة القواطع عنه کتباً علی طريقة المشائین و لخصت فیها قواعدهم، و من جملة المختصر الموسوم بـ «التلویحات اللوحیة و العرشیة» المشتمل علی قواعد کثیرة و لخصت فیها القواعد مع صغر حجمه، و دونه «اللمحات» و صنف غیرهما، و منها ما رُتِبَ فی ایام الصبی» (حکمة الاشراق، ص ۱۰). — م.

2. *Intimations*

۳. افزوده نویسنده. — م.

4. *Oppositions*

5. *Paths and Conversations*

6. *heuristic*

و روش‌های مشایی‌اند و در عین حال شامل برخی اصول اشراقی هستند تبیین نمی‌کند. به عنوان نمونه [رساله‌های] الواح عمادی^۱ (Suhrawardi 1976, 99-116) و هیاکل‌النور (Suhrawardi 1996; 1976, 139-47) این‌گونه‌اند. درست است که سهروردی اشاره می‌کند که «روزگاری در دفاع از روش مشایی متعصب بوده است» (PI, 108.8-9)^۲. روزگاری که احتمالاً آثاری چون اللمحات^۳ را (که چکیده‌ای است از نظریات مشایی سینوی) نگاشته است، اگرچه نسبت دادن این اثر به دوره‌ای که مشخصاً بتوان آن را دوره «پیش از شهود» دانست دشوار است. با این حال، در اللمحات از هر دو اثر التلویحات و حکمة الاشراق به عنوان آثاری تکمیل‌شده یاد می‌کند^۴ (Suhrawardi 1993a).

۱. *Tablets Dedicated to 'Imad al-Din*: این کتاب به زبان فارسی است. ترجمه عربی آن با عنوان *الالواح العمادية* به قلم خود سهروردی نوشته شده است و در جلد چهارم مجموعه مصنفات وی تصحیح و منتشر شده است (بنگرید به مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد ۲، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی). — م.

۲. «و صاحب هذه الاسطرکان شدیدالذب عن طريقة المشائین» (سهروردی، *حکمة الاشراق*، ص ۱۵۶)؛ گفتنی است در متن کتاب حاضر، ارجاع به *حکمة الاشراق* یکدست نیست. در مواردی به مجموعه مصنفات شیخ اشراق و در مواردی به ترجمه انگلیسی این کتاب ارجاع داده شده است. در پانوش، ارجاعات به این کتاب یکدست شده و همگی ناظر به مجموعه مصنفات شیخ اشراق است. — م.

3. *Flashes of Light*

۴. «و هذا القدر کاف لمن له قریحة و من أراد أمور غریبة شریفة و حکمة»

7-70).^۱ [همچنین] هرچند سهروردی تأکید می‌کند که التلویحات وی اثری است که مطابق با سنت مشایی نگاشته شده است،^۲ این کتاب حاوی برخی از مواضع اشراقی مشخص‌تر اوست (Suhrawardi 1993a, 70-7 and 105-21).^۳

سهروردی بیشتر رساله‌های خود را در محدوده زمانی بسیار کوتاهی، به احتمال زیاد طی دورانی حدود ده سال، نگاشته است. به سبب کوتاهی این دوران، فرصت چندانی برای وی باقی نماند تا دستخوش تغییری اساسی میان دو مرحله متفاوت و متوالی [سیر فکری خود] شود که در آن‌ها از دو سبک و شیوه فکری متمایز دفاع می‌کرد. در نظر سهروردی، شمار زیادی از اصول مشایی معتبر، در درک فلسفه اشراقی‌اش ضروری بود. هانری کربن اشاره می‌کند که هرچند سهروردی اعتراف می‌کند به این‌که زمانی مدافع رویکرد مشایی بوده است، ممکن است دوره‌ای صرفاً مشایی [در سیر فکری وی] وجود نداشته باشد. در حقیقت تعداد اندکی از آثار سهروردی را می‌توان تاریخگذاری

غير مشوشة فعليه بكتابتنا الموسوم بالتلویحات اللوحية والعرشية على أن لی كتاباً غیره سمیة بحكمة الاشراق». م.

۱. ارجاع مؤلف در این مورد صحیح نیست و باید به این صورت تصحیح شود: سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۴، ص ۲۴۱. م.

۲. سهروردی، حکمة الاشراق، ص ۱۰؛ نیز بنگرید به التلویحات در مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۲. م.

۳. سهروردی، التلویحات در مجموعه مصنفات، ج ۱، صص ۷۰-۷۷ و ۱۰۵-۱۲۱. م.

کرد، چرا که شماری از آثار وی همزمان نگاشته شده‌اند.^۱ آثار سهروردی تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی، عمدتاً در مجامع فلسفی سنتی‌ای که به معارف شرق جهان اسلام می‌پرداختند مطالعه می‌شد، تا این‌که در پی آثار کارا دو وو،^۲ ماکس هورتن^۳ (Horten 1912)، لویی ماسینیون،^۴ اتو اسپیس^۵ و ختک^۶ (Spies & Khatak 1935) و هلموت ریتز،^۷ هانری کربن، ایران‌شناس فرانسوی، شروع به بررسی و تصحیح شمار زیادی از آثار وی کرد. نخستین مجلد در سال ۱۹۴۵ در استانبول به چاپ رسید و حاوی مابعدالطبیعه سه اثر اصلی نخست سهروردی به زبان عربی بود (Suhrawardi 1993a). سپس در سال ۱۹۵۲ کربن شاهکار سهروردی، حکمة الاشراق، را به زبان عربی همراه با دو اثر کوچک وی^۸ تصحیح کرد (Suhrawardi 1993b; 1986; 1999a). پس از آن، کربن به نگارش تحقیق مهم خود با

۱. سهروردی در مقدمه حکمة الاشراق به این مطلب تصریح می‌کند: «قد رتبتم لکم قبل هذا الکتاب و فی اثنا عشر کتبا» (حکمة الاشراق، ص ۱۰). — م.

2. [Baron Bernard] Carra de Vaux

3. [Maximilian] (Max) [Joseph Heinrich] Horten

4. Louis Massigno 5. Otto Spies 6. [S. K.] Khatak

7. Helmut Ritter

۸. رسالة فی اعتقاد الحكماء وقصة الغربة الغریبة. — م.

عنوان سهروردی و افلاطونیان ایران^۱ پرداخت^۲ (Corbin 1971؛ مقایسه کنید با Abu Rayyan 1969). در سال ۱۹۷۰ سید حسین نصر، چهارده نوشته سهروردی به زبان فارسی را (که دو مورد از آن‌ها منسوب به اوست)^۳ تصحیح کرد؛ بسیاری از این نوشته‌ها سبکی رمزی یا عرفانی دارند (Suhrawardi 1993c).

۳.۱. عوامل تاثیرگذار بر سهروردی

ترسیم سیر فکری سهروردی و مشخص کردن منابعی که او احتمالاً از آن‌ها استفاده کرده است عملاً بیش از اندازه دشوار بوده است (Walbridge 2000, 2001؛ مقایسه کنید با Gutas 2003).^۴ بی‌تردید سهروردی در سنت مشایی سینیوی (در

1. Suhrawardi et les platoniciens de Perse

۲. این اثر جلد دوم از مجموعه چهار جلدی اسلام ایرانی (اسلام در سرزمین ایران) (En Islam Iranien) است. این مجلد در سال ۱۳۹۰ به دست رضا کوهکن (تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران) و در سال ۱۳۹۱ به دست ان‌شاءالله رحمتی (تهران، انتشارات صوفیا) ترجمه شده است. -م.

۳. پرتونله، هیاکل النور، الواح عمادی، رسالة الطیر، آواز پر جبرئیل، عقل سرخ، روزی با جماعت صوفیان، فی حالة الطفولية، فی حقیقة العشق (مونس العشاق)؛ لغت موران، صغیر صیمغ، بستان القلوب و یزدان‌شناخت. دو اثر اخیر منسوب به سهروردی است. -م.

۴. همچنین، در این زمینه بنگرید به صمد موحد، سرچشمه‌های حکمت اشراق (نگاهی به منابع فکری شیخ اشراق)، تهران، انتشارات فراروان، ۱۳۷۴. -م.

مراغه و اصفهان) تعلیم یافته است، که البته این آموزش شامل مطالعه نظریات ارسطو، افلاطون و، مهم‌تر از همه، نوافلاطونی‌ها و نخستین فیلسوفانی که به زبان عربی می‌نوشتند نیز بود. آثار ابن سینا (وفات ۴۲۸ ق) بی‌شک در مرکز توجه وی قرار داشت. هنوز باید تلاش بسیاری صورت گیرد تا بتوان اهمیت واقعی [تأثیر] کتاب المباحث^۱ ابن سینا (۱۹۹۲) و تعلیقات^۲ وی بر کتاب فی‌الحيوان^۳ ارسطو (۱۹۸۴) و نیز میزان و نحوه تأثیر فیلسوفان پس از ابن سینا، به‌ویژه ابوالبرکات بغدادی (وفات حدود ۵۴۵ ق)، منتقد مبتکر ولی به‌گزین^۴ منطق، علم‌النفس و مابعدالطبیعه ابن سینا، و ابن سهلان ساوی منطقدان بر سهروردی را ارزیابی کرد.

تأثیر افلاطون و ارسطو در آثار سهروردی به آسانی قابل تشخیص است. تلاش‌هایی نیز صورت گرفته است تا تأثیرات شخصیت‌های یونانی‌ای چون انبازقلس (امپدوکلس)^۵، فیثاغورث^۶ و رواقیان^۷ را در این آثار مشخص کنند. این تلاش‌ها منجر به آن شده است که سهروردی فیلسوفی «نوافلاطونی فیثاغوری» نامیده شود (Walbridge 2000; 2001)، هرچند این نامگذاری به طور نسبی قرین توفیق بوده است (بنگرید به 308, 2003, Gutas). با این‌که سهروردی

1. Discussions 2. Notes 3. De anima 4. eclectic

5. Empedocles 6. Pythagoras 7. stoics

مکرراً به مرجعیت افلاطون متوسل می‌شود، حوزه دیگر و پربارتری برای تحقیق چه‌بسا آثاری همچون اتولوجیا (یا همان الهیات ارسطو به زبان عربی)^۱ (که تفسیری از برخی قسمت‌های انتادهای ۴ تا ۶ کتاب انتادها (تاسوعات) فلوطین^۲ است) باشد، به‌ویژه عباراتی از انتاد چهارم، قسمت ۱۸ که در آن نام بسیاری از فیلسوفان سنت یونانی که برای سهروردی اهمیت دارند آمده است.

هنوز ترسیم نقشه سیر فکری سهروردی و مواجهات وی با عرفان، مکتب گنوسی یونان و مکتب هرمسی یا سنت‌های باستانی زرتشتی ایران، که وی اغلب به نمادهایشان متوسل می‌شود، بسیار دشوار است. علاوه بر این، هیچ‌کس تاکنون تأثیرات احتمالی مذهب اسماعیلیه یا تصوف را بر سهروردی بررسی نکرده است. آموزه اشراقی وی ممکن است نزدیکی بیشتری با تفکر اسماعیلی (همچون تصور سلسله‌مراتبی از وجود در آثار ابویعقوب سجستانی در قرن چهارم) داشته باشد تا با آموزه‌های صوفیان اصیلی که سهروردی ادعا می‌کرد دنباله‌رو ایشان است (Landolt 1987)، هرچند شباهت‌هایی با برخی نظریات صوفیانه خاطرنشان شده است (Landolt 2007). از سوی دیگر، تذکره‌نویسان قرون میانی به‌صراحت گرایش عرفانی سهروردی، ارتباط او با عارفان، ریاضت‌کشی و اعمال

1. *Arabic Theology of Aristotle*

2. *Plotinus' Enneads*

حیرت‌انگیز (کرامات) او را گزارش کرده‌اند. سهروردی شخصاً مراقبت‌ها و ریاضت‌های روحانی را مقدمه‌ای ضروری برای علم حضوری و مشاهدهٔ انوار می‌دانست.^۱ او اغلب، مثلاً در الواردات و التقدیسات،^۲ از بن‌مایه‌ها، اصطلاحات و شخصیت‌های اسطوره‌ای زرتشتی در دورهٔ باستان و حتی از الهیات مزدایی استفاده می‌کرد (Suhrawardi 1976؛ مقایسه کنید با آثار رمزی و عبادی سهروردی که والبرج از آن‌ها پرده برداشته است، Walbridge 2011). به عنوان نمونه، این‌که وی فرشتگان را مبادی عقلانی تجسم‌یافته می‌داند، اشتراکات زیادی با فرشته‌شناسی زرتشتیان در دورهٔ باستان دارد (Corbin 1972, 111-3, 124-5)، اما در عین حال واجد اشتراکات بسیاری نیز با فرشته‌شناسی موجود در المعتبر^۳ ابوالبرکات بغدادی است که فاقد هر نوع نمادپردازی متعلق به ایران باستان است (1939, vol. 2: 157؛ مقایسه کنید با Pines 1979, 253-5). از آن‌جا که هیچ تعلق تاریخی روشنی به سنت‌های مکتوب مشخص وجود ندارد، تنها می‌توان به ادعاهای خود سهروردی تکیه کرد مبنی بر این‌که قصدش تلفیق این سنت‌های فکری شرقی و غربی باستان بوده است. این‌که چرا سهروردی «خود را به

۱. حکمة الاشراق، ص ۱۵۶-م.

2. *Invocations and Prayers* 3. *Considerations*

جای آن‌که پیرو ابن سینا نشان دهد، دنباله‌رو این فیلسوفان
باستان، به‌ویژه افلاطون، نشان می‌دهد» هنوز نیازمند تبیین کافی
و ایضاح است (Gutas 2003, 309).